

پیش‌بینی مولفه‌های آلکسی‌تایمیا براساس ابعاد سرشت و منش شخصیت

جهانگیر کرمی

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه

پروانه کریمی^۱

کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه رازی

خیراله صادقی

گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی پیش‌بینی مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا براساس ابعاد سرشت و منش شخصیت انجام شده است. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش کرمانشاه در سال ۹۳-۱۳۹۲ بود. نمونه آماری شامل ۳۰۰ نفر که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و از آنها خواسته شد مقیاس سرشت و منش (کلونینجر، ۱۹۸۶)، مقیاس آلکسی‌تایمیا تورنتو (بگی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴) را تکمیل کنند. تحلیل داده‌ها با محاسبه ضرایب همبستگی بنیادین و تحلیل رگرسیون همزمان انجام شد. نتایج همبستگی بنیادی نشان می‌دهد که متغیر پش بین ۰/۴۵ از واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که ابعاد سرشتی آسیب‌گریزی بالا و پاداش وابستگی پایین و ابعاد منشی خودراهبری و خودفراروی پایین توان پیش‌بینی مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا را دارند. براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که خصصیه‌های شخصیتی بر توانمندی‌های فرد در زمینه پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها تأثیر می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: سرشت، منش، آلکسی‌تایمیا، دبیران زن

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: parvane.kareme1367@gmail.com

آدرس پستی: ایران، کرمانشاه، شهرک فجر، خیابان سوم، پلاک ۵۱

وصول: ۱۳۹۳/۱۱/۰۶ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۳

Prediction of alexithymia components based on the dimensions of temperament and character of personality

Karami, J., Karimi, P., & Sadegi, KH

(Received; 26 Jan, 2015-Accepted; 3 Jan, 2016)

Abstract

The aim of this correlational study was to investigate the prediction components of alexithymia based on the dimensions of temperament and character of personality. The statistical population included all female teachers at the schools of Kermanshah city in 92-93 academic year. Using multistage cluster sampling method, 300 female teachers were selected and were asked to complete temperament and character inventory cloning (1986), and Toronto alexithymia scale (Bagby, Parker & Taylor, 1994). The analysis Fundamental correlation coefficient showed that predictor variable could predict 45% variance of criterion variable, also the results of enter regression analysis showed that temperament dimensions of high harm avoidance, low dependence reward, and temperament dimension of low self-directed and self-transference are able to significantly predict components of alexithymia. Regarding with the current study findings, we can argue that personality characteristics could affect individuals' cognitive processing of emotional information and emotions regulation.

Keywords: temperament & character, alexithymia, woman teacher

مقدمه

سیف‌نوس^۱ (۱۹۷۳) اصطلاح آلکسی‌تایمیا را نخستین بار به عنوان ویژگی اصلی بیماران مبتلا به اختلال‌های روان‌تنی مطرح کرد که عبارت است از نوعی اختلال شناختی-عاطفی آشکار که در آن تفکر و اعتقادات نمادین افراد و زندگی توأم با هیجان به طور شایان توجهی کاهش می‌یابد و توانایی افراد در شناسایی و بیان احساساتشان به طور شفاهی محدود می‌شود و این افراد نمی‌توانند به خوبی احساسات خود را بیان کنند. چنین افرادی،

^۱. Sifneos

به سختی می‌توانند هیجان‌ات واقعی و اصیل را از حس‌ها یا برانگیختگی‌های بدنی خود تمیز دهند. مبتلایان به آلکسی‌تایمیا احساسات نامتمیزی دارند که عموماً با یک برانگیختگی فیزیولوژیک همراه است (ویلیامز^۱، ۲۰۱۰). چهار ویژگی اساسی آلکسی‌تایمیا عبارتند از: ۱. دشواری در شناسایی و توصیف احساسات؛ ۲. دشواری در تمایزگذاری بین احساسات و حواس جسمانی ناشی از برانگیختگی هیجانی؛ ۳. محدودیت در پردازش تصویری که توسط کمبود و نقص در خیال‌پردازی درک می‌شود و ۴. سبک شناختی با جهت‌گیری بیرونی (دی‌هان، وایجدولد، بوسفینکل، درپالن و جانگ^۲، ۲۰۱۲؛ تیلور و بگبی^۳، ۲۰۱۲). آلکسی‌تایمیا افراد را در معرض خطر بالاتری برای اختلالات پزشکی و روان‌پزشکی قرار می‌دهد و به کاهش کیفیت زندگی افراد منجر می‌شود (حمیدی، رستمی، فراهودی و عبدالمنافی، ۲۰۱۰). در واقع افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا، تهییج‌های بدنی بهنجار را بزرگ می‌کنند؛ نشانه‌های بدنی انگیختگی هیجانی را بد تفسیر می‌کنند؛ درماندگی هیجانی را از طریق شکایت‌های بدنی نشان می‌دهند و در اقدامات درمانی نیز به دنبال درمان نشانه‌های جسمانی هستند (تیلور، پارکر^۴ و بگبی، ۱۹۹۲).

آلکسی‌تایمیا به منزله‌ی ناتوانی در پردازش شناخت‌ها و تنظیم هیجان‌ها، هم با شمار زیادی از اختلال‌های شخصیت (پانفیلز، اوسلوا، تونا، کاتنیا و مارچزی^۵، ۲۰۱۵؛ لاسکر، اولیسکی، بوک، لیونهارت، وهز، رینگر و همکاران^۶، ۲۰۱۴؛ لواس، بایلد و ویریر^۷، ۲۰۱۴؛ سروتی، کالابریس و والستر^۸، ۲۰۱۴)؛ اختلالات روانی و بدنی (دالبوداک، ایورن، آدل‌میر، کوسکن، یالدیمیر و اوگرلو^۹، ۲۰۱۳؛ واتسون^{۱۰}، ۲۰۰۰؛ بگبی و همکاران، ۱۹۹۴؛

1. Williams

2. De Haan, Joosten, Wijdeveld, Boswinkel, der Palen & Jong

3. Taylor, Parker & Bagby

4. Parker

5. Panfilis, Ossola, Tonna, Catania & Marchesi

6. Lysaker, Olesek, Buck, Leonhardt, Vohs, Ringer, et al

7. Loas, Baelde & Verrier

8. Cerutti, Calabrese, & Valastro

9. Dalbudak, Evren b, Aldemir, Coskun, Yildirim & Ugurlu

10. Watson

مظاهری، افشار و محمدی، ۱۳۹۰) و هم با ویژگی‌های شخصیتی (تیلور، بگبی، بینویت و اتکینسون^۱، ۲۰۱۴؛ تیلور و بگبی، ۲۰۱۳؛ داودی و افشاری، ۱۳۹۰، بیرامی، صالحی حیدرآباد، عنذلیب کورایم و اصغرپور، ۱۳۹۰) مرتبط است. در حوزه شخصیت پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مدل زیستی-اجتماعی کلونینجر^۲ (۱۹۸۶) اشاره کرد. در این مدل، فرض شده است که شخصیت افراد با توجه به صفات ژنتیکی، یادگیری و بینش آن‌ها نسبت به این مفاهیم رشد می‌کند. مدل شخصیتی کلونینجر شامل چهار بعد سرشتی و سه بعد منشی است که همه این ابعاد در طول عمر فرد و با توجه به واکنش‌ها و روابط فرد در زندگی خود را نشان می‌دهند. مفهوم سرشت در دیدگاه کلونینجر به تفاوت‌های فردی در زمینه پاسخ‌های هیجانی اساسی اشاره دارد. سرشت صفات ارثی هستند که در سراسر زندگی ثابت و پایدار می‌مانند. از سوی دیگر، منش منعکس‌کننده اهداف زندگی، نظام ارزشی و هیجانان خودآگاه فرد است؛ ولی ابعاد منش، کم‌تر ارثی است و اغلب تحت تأثیر یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد (تاکه اوچی، میوکا، تومادا، سوزوکی، لیو و کیتامورا^۳، ۲۰۱۱).

در مدل کلونینجر، عامل سرشتی آسیب‌گریزی به خصوصیتی چون نگرانی، ترس از عدم قطعیت، شرم و خجالت در مواجهه با غریبه‌ها و خستگی و فرسودگی اشاره دارد که با فعالیت سروتونرژیک مزولیمیک همبستگی مثبت دارد. نوجویی یک عامل سرشتی مرتبط با تحریک‌جویی، افراط، تکانشگری و بی‌نظمی است که با فعالیت دوپامینرژیک مزولیمیک همبستگی منفی دارد. عامل سرشتی پاداش وابستگی بیانگر خصوصیتی چون احساساتی‌بودن، گشودگی و پذیرش روابط گرم، دلبستگی و وابستگی است که بازتاب تفاوت‌های فردی در حساسیت پس‌سیناپسی نرون‌ها در قشر پیشانی مخ نسبت به پیام‌های نورآدرنرژیک ارسال شده از لوکوس سرولوتوس در ساقه مغز است. بعد

¹ Taylor , Bagby , Kushner, Benoit & Atkinson

² Coloiner

³ Takeuchi, Miyaoka, Tomoda, Suzuki, Lu & Kitamura,

پشتکار شامل اشتیاق به تلاش در پاسخ به نشانه‌های پاداش احتمالی در مقابل تنبلی، سخت‌کوشی با وجود تنبیه‌های متناوب در مقابل عادت به پاداش، جاه‌طلبی و ادامه تلاش تا رسیدن به موفقیت در پاسخ به ناکامی متناوب در مقابل تسلیم و شکست است که این ویژگی به پیوندهای حساس بین سایکولوم هیپوکمپال و آکامینس هسته‌ای مربوط است (کلونینجر و شوراکیک^۱، ۱۹۹۳). بنابراین، تفاوت در ویژگی‌های سرشتی آسیب‌گریزی و پشتکار به تفاوت معناداری در زمینه سلامت روانی، جسمی، اجتماعی و بهزیستی ذهنی در افراد منجر می‌شود (کلونینجر و زوهار^۲، ۲۰۱۱).

صفت منشی خودراهبری شامل مسئولیت‌پذیری، هدفمندی، کاردانی، پذیرش و انسجام خود است که فعالیت پیش‌پیشانی نقش قطعی برای ویژگی خودراهبری دارد. بعد منشی همکاری، نشانگر ویژگی‌هایی چون پذیرش اجتماعی، همدلی، یاریگری و دلسوزی است که فعالیت گيجگاهی-آهانه‌ای برای همکاری ضروری است. بعد منشی خودفراری نشانگر خصوصياتی چون غفلت از خود، پذیرش معنویات و روحانیات است که هماهنگی فعالیت در قسمت‌های همسان دو طرف مغز، ضرورت ویژه‌ای برای تجربه حالت‌های خود-فراری دارد (کلونینجر، پریزیک و شوراکیک^۳، ۱۹۹۴). بنابراین، منش به عنوان راهبردهای فراشناختی است که افراد برای هدایت رفتار استفاده می‌کنند (کلونینجر، ۲۰۰۴؛ گارسیا، آنکارستار و لاندروستون^۴، ۲۰۱۳). هم‌چنین بعد منشی خودراهبری نیز با بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد (کلونینجر، زوهار، هریچمن و دی‌هان^۵، ۲۰۱۲؛ گارسیا^۶، ۲۰۱۲؛ اسکوتز، آرچر و گارسیا^۷، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که ابعاد سرشتی آسیب‌گریزی بالا، پاداش وابستگی پایین و

¹. Cloninger & Shvrakic

². Cloninger, Zohar

³. Cloninger, Pryzbeck & Shvrakic

⁴. Garcia, Anckarsäter & Lundström

⁵. Hirschmann & Dahan

⁶. Garcia

⁷. Schütz, Archer, & Garcia

ابعادمنشی خودراهبری بالا، همکاری پایین و خودفراروی پایین با مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا رابطه دارند (لی، یو، چو، چو، کو و کیم^۱، ۲۰۱۰؛ کلیکل، کوس، ایرکورکمار، سایر، کومرکو و کلونینجر^۲، ۲۰۱۰؛ کونراد و وینگر^۳، ۲۰۰۹؛ اورن، کوس، سایر، اوزکلیک، بورکارت، الهای و همکاران^۴، ۲۰۰۸؛ پیکاردی، تونی و کاروپو^۵، ۲۰۰۵؛ گراب، اسپیتزر و فری برگر^۶، ۲۰۰۱)؛ بنابراین صفات سرشت و منش نقش مستقلی در بروز آلکسی‌تایمیا دارند.

پژوهش حاضر با توجه به این نکته مهم انجام شد که پیش‌گیری مناسب، تنها در صورت شناخت عوامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده اختلال، امکان‌پذیر است. هم‌چنین باید توجه داشت گرچه تاکنون مطالعات زیادی در رابطه با آلکسی‌تایمیا صورت گرفته است، مطالعات اندکی برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده آلکسی‌تایمیا انجام شده است. علاوه براین، بیشتر این مطالعات، بر جمعیت بالینی و افراد مبتلا به بیماری روانی انجام شده و این صفت هیجانی کمتر در جمعیت بهنجار بررسی شده است. از آن‌جا که تعلیم و تربیت امری وقت‌گیر، پرهزینه و در عین حال دشوار است، معلمان، به عنوان نقطه آغاز هر تحول آموزشی و پرورشی، بیش‌ترین و برترین نقش را عهده‌دار هستند. بدیهی است که یک معلم افسرده، مضطرب، ستیزه‌جو، تندخو و ناسالم، از نظر روانی نمی‌تواند نشاط، امنیت خاطر و ثبات را در کلاس درس و محیط آموزش و پرورش برقرار سازد. همان‌طور که نقش معلمان در مدارس یک نقش حیاتی است، باید به همین میزان به خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به عنوان الگوی دانش‌آموزان توجه شود. بنابراین، یکی از اهداف پژوهش در شاخه‌های مختلف روان‌شناسی رشد، شخصیت و روان‌شناسی بالینی، شناخت عواملی است که در آسیب‌پذیری افراد نقش دارند. به‌طور کلی با بررسی نقش

¹. Lee, Yu, Cho, Cho, Koh & Kim

². Celikel, Kose, Erkorkmaz, Sayar, Cumurcu & Cloninger

³. Conrad & Wegener

⁴. Evern, Kose, Sayar, Ozelik, Borckardt, Elhai et al

⁵. Picardi, Toni & Caroppo

⁶. Grabe, Spitzer & Freyberger

عوامل آسیب‌زا می‌توان جهت‌گیری تازه‌ای در تشخیص، پیشگیری و درمان اختلالات به وجود آورد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی آلکسی‌تایمیا بر اساس ابعاد سرشت و منش طرح‌ریزی شد. بنابراین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به بالاتر رفتن شناخت ما نسبت به این سازه، به‌ویژه در جمعیت غیربالینی منتهی شود.

روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، از نوع تحقیقات توصیفی-پیش‌بینی است و درصدد بررسی پیش‌بینی آلکسی‌تایمیا بر اساس ابعاد سرشت و منش بود. **جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه آماری این پژوهش را کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش کرمانشاه (۲۰۰۴ نفر) در سال ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل دادند، روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. برای این منظور از بین نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه از هر ناحیه ۱۰ مدرسه به صورت تصادفی ساده انتخاب و از هر سه ناحیه جمعاً ۳۰ مدرسه در همه‌مقاطع تحصیلی انتخاب شدند و با توجه به جدول مورگان حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شد. مشارکت‌کنندگان پس از جلب رضایت و همکاری در این پژوهش شرکت کردند و از آن‌ها خواسته شد پرسش‌نامه سرشت و منش و ناگویی هیجانی را تکمیل کنند. پس از اجرای تحقیق، ۳۰۰ پرسش‌نامه در مرحله فرضیه‌آزمایی تحلیل شدند. لازم به ذکر است که تعدادی از پرسش‌نامه‌ها به دلیل نقص یا بی‌دقتی در پاسخگویی به سؤالات کنار گذاشته شدند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (محاسبه میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون، همبستگی بنیادی و رگرسیون هم‌زمان) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS نسخه ۱۹ انجام گرفت.

ابزار:

مقیاس سرشت و منش (TCI): توسط کلونینجر (۱۹۸۶) ساخته شده است. این ابزار یک مقیاس خود‌گزارشیِ مداخله‌کاغذی است که ۱۲۵ ماده دارد و آزمودنی به هر یک از

سؤالات به صورت بله یا خیر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌نامه برای سنجش خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ساخته شده است که یا از طریق وراثت (سرشت) یا از طریق محیط (منش) در فرد وجود دارد. این مدل، هفت عامل را اندازه‌گیری می‌کند. پرسش‌نامه یادشده که توسط کاویانی و پورناصح (۱۳۸۴) در ایران هنجاریابی شده است، دارای پایایی و روایی مناسب برای استفاده در پژوهش‌ها است. برای دستیابی به ضریب پایایی، به روش بازآزمون عمل شد که نتایج گویای ضرایب قوی برای آزمون به این شرح است: نوجویی (۰/۸۶)، آسیب‌پرهیزی (۰/۸۸)، پاداش وابستگی (۰/۷۳)، پشتکار (۰/۷۹)، همکاری (۰/۸۶)، خودراهبری (۰/۹۰) و خودفراروی (۰/۸۶). نتایج حاصل از روایی آزمون نیز گویای روایی مناسب آزمون بین طیف ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ برای خرده‌مقیاس‌ها است. روایی خرده‌مقیاس‌ها عبارت بود از: نوجویی (۰/۷۵)، آسیب‌پرهیزی (۰/۷۲)، پاداش وابستگی (۰/۸۷)، پشتکار (۰/۹۰)، همکاری (۰/۷۶)، خودراهبری (۰/۶۶) و خودفراروی (۰/۸۶) بوده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۷۷ به‌دست آمد.

مقیاس آلکسی‌تایمیا تورنتو (FTAS): مقیاس آلکسی‌تایمیا تورنتو (بگبی و همکاران، ۱۹۹۴) یک آزمون ۲۰ سؤالی است و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره یک (کاملاً مخالف) تا نمره پنج (کاملاً موافق) می‌سنجد. در نسخه فارسی مقیاس آلکسی‌تایمیا تورنتو، ضرایب آلفای کرونباخ برای آلکسی‌تایمیا کل و سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی مناسب مقیاس است. پایایی بازآزمایی مقیاس آلکسی‌تایمیا تورنتو در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته از ۰/۸۰ تا ۰/۸۷ برای آلکسی‌تایمیا کل و زیرمقیاس‌های مختلف تأیید شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۷۸ به‌دست آمد.

یافته‌ها

جدول یک، میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی ابعاد سرشت و منش و مؤلفه‌های آلکسی تایمیا

	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نوعی	۲/۱۵	۱									
آسیب‌گریزی	۴/۱۰	۰/۰۸۳*	۱								
پاداش‌وابستگی	۷/۲۶	۰/۱۱*	۰/۰۹۹	۱							
پشیمانی	۱/۳۲	۰/۰۱۱	-۰/۱۷***	۰/۰۶۹	۱						
خودراهبری	۴/۹	-۰/۴۴***	-۰/۵۳***	-۰/۱۵***	۰/۰۱۱	۱					
همکاری	۳/۰۸	-۰/۲۷***	-۰/۲۸***	۰/۱۲*	۰/۰۷۷	۰/۴۶***	۱				
خودفرواری	۲/۷۵	-۰/۰۸۷	-۰/۳۳***	۰/۰۷۸	۰/۱۵***	۰/۲۴***	۰/۱۹***	۱			
دشواری‌شناسایی احساسات	۵/۱۲	۰/۲۷***	۰/۳۹***	۰/۰۸۴	۰/۰۳۴	-۰/۵۶***	-۰/۲۸***	-۰/۱۱	۱		
دشواری‌توصیف احساسات	۳/۶۵	۰/۱۳*	۰/۴۶***	-۰/۱۴***	-۰/۰۱۳	-۰/۴۳***	-۰/۲۹***	-۰/۲۰***	۰/۵۷***	۱	
تفکر صمیمی	۳/۴۶	۰/۰۵۰	۰/۲۰***	-۰/۰۶۰	۰/۰۵۳	-۰/۲۶***	-۰/۱۸***	-۰/۲۲***	۰/۳۶***	۰/۳۷***	۱

آلکسی‌تایمیا	۴۹/۷۹	۹/۵۸	۰/۲۱	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳
--------------	-------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------

برای بررسی رابطه متغیرهای پژوهش از روش تحلیل همبستگی بنیادین استفاده شد. همبستگی بنیادین نوعی روش آماری چندمتغیری است که رابطه میان یک دسته (دو یا بیشتر) متغیر ملاک و یک دسته (دو یا بیشتر) متغیر پیش‌بین را بررسی می‌کند. در این روش برای هر دسته از متغیرها یک ترکیب خطی ایجاد می‌شود که همبستگی میان دودسته متغیر را به حداکثر می‌رساند. جدول دو نتایج آزمون‌های معنی داری برای مدل کامل تحلیل همبستگی بنیادین را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب استاندارد، ضرایب ساختاری و دیگر شاخص‌های تحلیل همبستگی بنیادی

متغیرها	ضرایب	
	ضرایب ساختاری	ضرایب استاندارد
نوجویی	۰/۰۲۱	۰/۰۶۶
آسیب‌گریزی	۰/۰۹۲	۰/۳۸
پاداش وابستگی	-۰/۰۷۵	-۰/۱۷
پشتکار	۰/۰۸۸	۰/۱۱
خودراهبری	-۰/۱۴	-۰/۷۳
همکاری	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۶
خودفراوی	۰/۰۰۹	۰/۰۲۶

واریانس مشترک
 $RS=۰/۴۵$
 $F=۹/۱۱$
 $P<۰/۰۰۱$

شاخص‌های تحلیل همبستگی در جدول دو نشان می‌دهند که از میان متغیرهای پیش‌بین وزن خرده‌مقیاس خودراهبری واجد بیش‌ترین ارتباط با اولین متغیر ترکیبی یا بنیادی حاصل از متغیرهای وابسته (مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا) است. بعد از خرده‌مقیاس خودراهبری، خرده‌مقیاس آسیب‌گریزی بیش‌ترین نقش را در پیش‌بینی مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا دارد. میزان آزمون لمبدای ویلکز ۰/۵۵ است. یعنی در حدود ۴۵ درصد از واریانس متغیرهای ملاک (مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا) پیش‌بینی می‌شوند.

جدول سه نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا بر اساس ابعاد سرشت و منش را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی مؤلفه‌های ناگویی هیجانی بر اساس ابعاد سرشت و منش

P	t	β	Std	B	متغیر پیش‌بین	F	R ²	R	متغیر ملاک
۰/۰۰۵	۲/۸۱	۰/۱۷	۰/۰۷۷	۰/۲۲	آسیب‌گریزی	۲۰/۶۵	۰/۳۳	۰/۵۸	دشواری در شناسایی احساسات
۰/۰۰۱	۶/۷۰	-۰/۴۵	۰/۰۷۰	-۰/۴۷	خودراهبری				
۰/۰۰۱	۴/۲۵	۰/۲۷	۰/۰۵۴	۰/۲۳	آسیب‌گریزی	۱۵/۵۶	۰/۲۷	۰/۵۲	دشواری در توصیف احساسات
۰/۰۰۱	۳/۹	-۰/۲۱	۰/۰۸۱	-۰/۳۲	پاداش				
۰/۰۰۱	۴/۱۲	-۰/۲۸	۰/۰۴۹	-۰/۲۰	وابستگی خودراهبری				
۰/۰۰۳	۲/۹۶	-۰/۲۲	۰/۰۵۴	-۰/۱۶	خودراهبری	۵/۴۲	۰/۱۲	۰/۳۴	تفکر عینی
۰/۰۰۹	۲/۶۴	-۰/۱۶	۰/۰۷۵	-۰/۲۰	خودفراروی				
۰/۰۰۱	۳/۳۲	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۴۸	آسیب‌گریزی	۲۱/۶۵	۰/۳۵	۰/۵۹	آلکسی‌تایمیا
۰/۰۲۲	۲/۲۹	-۰/۱۲	۰/۲۱	-۰/۴۸	پاداش				
۰/۰۰۱	۶/۴۶	-۰/۴۳	۰/۱۳	-۰/۸۴	وابستگی خودراهبری				

ضرایب رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهند که آسیب‌گریزی و خودراهبری می‌توانند مؤلفه دشواری در شناسایی احساسات آلکسی‌تایمیا را پیش‌بینی کنند. همچنین، آسیب‌گریزی، پاداش و وابستگی و خودراهبری توان پیش‌بینی مؤلفه دشواری در توصیف احساسات آلکسی‌تایمیا را دارند. خودراهبری و خودفراروی می‌توانند مؤلفه تفکر عینی آلکسی‌تایمیا را پیش‌بینی کنند و در نهایت آسیب‌گریزی، پاداش و وابستگی و خودراهبری توان پیش‌بینی آلکسی‌تایمیا را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان ابعاد سرشت و منش با مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا بود.

ضرایب ساختاری به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان می‌دهند که الگویی از نمرات بالا در آسیب‌گریزی و نمرات پایین در پاداش وابستگی، خودراهبری و خودفراروی با الگویی از نمرات بالا در سه مؤلفه ناگویی هیجانی همبسته هستند.

این نتایج با یافته پژوهش‌های قبلی همخوانی دارد (لی و همکاران، ۲۰۱۰؛ کونراد و وینگر، ۲۰۰۹؛ کلیکل و همکاران، ۲۰۱۰؛ اورن و همکاران، ۲۰۰۸؛ پیکاردی، تونی و کاروپو، ۲۰۰۵؛ گراب، اسپیتزر و فری برگر، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر بین بعد منشی همکاری و مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا رابطه‌ای مشاهده نشد که این قسمت از پژوهش با پژوهش پیکاردی و همکاران (۲۰۰۵) ناهمخوان است. این ناهمخوانی را می‌توان به عوامل فرهنگی نسبت داد و دیگر نتایج را می‌توان برحسب احتمالات زیر تبیین کرد.

عامل سرشتی آسیب‌گریزی بالا به خصوصیات چوون عصبی‌بودن، ناامیدی، منفی‌گرایی، نگرانی، ترس از نبود قطعیت، شرم و خجالت در مواجهه با غریبه‌ها و خستگی و فرسودگی اشاره دارد. آسیب‌گریزی یک صفت شخصیتی ژنتیکی است که دارای پایه‌های نورواناتومی است. آسیب‌گریزی بالا با آزادسازی مکرر سروتونین به میزان زیاد از نرون‌های پیش‌سیناپسی مرتبط است که به کندشدگی جبرانی فعالیت گیرنده‌های پس‌سیناپسی منجر می‌شود. این آمادگی ارثی باعث می‌شود که وقتی چنین افرادی با موقعیت‌ها و محرک‌های ناآشنا و پراسترس روبرو شوند، اضطراب بیش از حد از خود نشان دهند (کلونینجر، ۱۹۸۶)؛ بنابراین، آسیب‌گریزی افراد را مستعد تجربه پریشانی و هیجان‌های منفی همچون اضطراب، ترس و نگرانی می‌کند؛ صفاتی که در میان افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا به لحاظ ناتوانی‌هایشان در آگاهی هیجانی و پردازش شناختی، دشواری در توصیف و شناسایی هیجان‌ها مشاهده می‌شود. آلکسی‌تایمیا یک ویژگی شناختی عاطفی است و فرد مبتلا به آن در تنظیم و فهم هیجان‌های خود ناتوان است. زمانی که اطلاعات

هیجانی نمی‌توانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده، این ناتوانی می‌تواند سازمان عواطف و شناخت‌های آن‌ها را مختل سازد. این افراد به دلیل نبود آگاهی هیجانی و ناتوانی در پردازش شناختی احساسات خود، معمولاً قادر به شناسایی، درک یا توصیف هیجان‌های خویش نیستند و توانایی محدودی در سازگاری با شرایط تنش‌زا دارند. یکی از روش‌های کنترل تنش به‌ویژه درباره‌ی هیجان‌های منفی، تخلیه و بیان هیجان ناشی از تنش است. در صورتی که این هیجان‌ها تخلیه نشوند و فرد نتواند احساسات منفی خود را به‌صورت کلامی بیان کند، جزء روان‌شناختی سیستم‌های ابراز هیجان و پریشانی روانی از جمله اضطراب افزایش می‌یابد.

افرادی که در مقیاس خودراهبری نمره‌ی پایین می‌آورند ضعیف، شکننده، نکوهشگر، غیر مؤثر، غیرمسئول، انکارناپذیر و دارای رفتار ایذایی هستند. این افراد، ادراک ضعیف‌تری از حمایت اجتماعی دارند و در مقابله با موقعیت‌های دشوار زندگی مهارت کم‌تری از خود نشان می‌دهند و بیشتر به انگیزه‌های بیرونی متکی هستند. کلونینجر معتقد است که خودراهبری شامل توانایی فرد در مدیریت رفتار است تا خود را با موقعیت‌های جدید تطبیق دهد و از این طریق به اهداف و ارزش‌های خود برسد. مقیاس‌های منشی با تفاوت‌های فردی در مناطق ویژه‌ی نئوکورتکس درگیر در پردازش عالی شناختی، به ویژه کورتکس پیش‌پیشانی، ارتباط قوی دارد. نمرات پایین در بعد سرشتی پاداش وابستگی نیز نشان‌دهنده‌ی تمایل فرد به تنهایی و فاصله‌گرفتن از دیگران است؛ هم‌چنین نشانگر این امر که این افراد تمایلی به بودن در اجتماع و داشتن روابط صمیمی با دیگران ندارند (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۳). در تبیین رابطه‌ی پاداش وابستگی و خودراهبری پایین با مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا می‌توان گفت که آلکسی‌تایمیا ممکن است نتیجه‌ی نقص در عملکرد لوب پیشانی و کارکردهای شناختی هیجانی بالاتر به ویژه در کورتکس پیش‌پیشانی باشد. هم‌چنین، آلکسی‌تایمیا با فعالیت پایین آمیگدال مرتبط است. آمیگدال در ادراک نشانه‌های هیجانی و تولید پاسخ‌های هیجانی نقش دارد؛ بنابراین، افراد می‌توانند

از هیجان‌های خود برای شناسایی اهداف و انگیزه‌ها استفاده کنند. اکثر مردم معتقدند خوب می‌دانند چه می‌خواهند و چه چیزی برایشان بهتر است؛ با وجود این، افراد اهداف و انگیزه‌هایی دارند که از آن‌ها بی‌خبرند. آگاهی اشخاص از احساس‌هایشان و توانایی بیان این احساس‌ها برای اشخاص دیگر در تسهیل تبدلات اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. مشکلات افرادی که از آلکسی‌تایمیا رنج می‌برند، به شناسایی و توصیف محض احساسات محدود نمی‌شود. احساسات فردی، پس از شناسایی، برای این که بتوانند به صورت مناسب بر رفتارهای شخصی و بین‌شخصی تأثیر بگذارند، به تنظیم و مدیریت صحیح نیازمند هستند (تیلور، ۲۰۰۰). آلکسی‌تایمیا با ویژگی دشواری در شناسایی و تنظیم هیجان با کاهش توانایی کنترل و تنظیم رفتار برای رسیدن به هدف و انزوای اجتماعی مرتبط است. آگاهی هیجانی ضعیف و ناتوانی این افراد برای تنظیم عواطف و احساسات و رفتارهای انطباقی برای رسیدن به هدف باعث می‌شود که این افراد هدف مشخصی در زندگی نداشته باشند. این افراد به دلیل این که افکارشان منشأ بیرونی دارد، وقایع را به محرک‌های بیرونی ارجاع می‌دهند؛ نه به نگرش و احساساتی که در درون خودشان وجود دارد. افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا در شناسایی صحیح هیجان‌ها از چهره دیگران مشکل دارند. شناخت صحیح هیجان‌ها از اجزای اصلی یک رابطه است؛ به همین دلیل ناتوانی افراد در شناخت صحیح هیجان باعث می‌شود که این افراد دارای روابط صمیمانه محدود باشند و هم‌چنین عزت نفس پایینی داشته باشند؛ بنابراین، آلکسی‌تایمیا با بی‌رضایتی از زندگی و نبود حمایت اجتماعی پیوند می‌یابد.

افرادی که در بعد منشی خودفراروی کسب نمره پایین می‌کنند، قدرت تصور ذهنی پایینی دارند؛ تحمل ابهام و نبود قطعیت را ندارند؛ و مادی‌گرا و عینیت‌زده هستند. تفکر برون‌مدار نیز از مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا است که در واقع میزان درون‌نگری و عمیق‌شدن فرد در احساسات درونی خود و دیگران را بررسی می‌کند. زندگی درونی افراد آلکسی‌تایمیک نیز به علت کم‌بودن تخیل‌ها و هیجان‌های واقعی، کم‌رنگ و ناچیز است و در عوض به جزئیات رویدادهای پیرامونی و بی‌اهمیت پرداخته می‌شود؛ این امر را به نبود

ظرفیت سمبل‌سازی، تخیل و تداعی نسبت داده‌اند. بنابراین، رابطه بعد منشی خودفراروی و آلکسی‌تایمیا از طریق این مکانیسم تبیین می‌شود که فرد در امتداد اجتناب از عواطف دردناک از طریق تفکر عینی، هر چه بیشتر از دنیای درونی و واقعیت‌های نگران‌کننده ذهنی فاصله می‌گیرد.

به طور خلاصه، نتایج این پژوهش نشان داد که ابعاد سرشت و منش می‌توانند تغییرات مربوط به آلکسی‌تایمیا را پیش‌بینی کنند. با توجه به این که ابعاد سرشتی تا حدودی جنبه وراثتی دارد و ابعاد منش از یادگیری و عوامل محیطی متأثر است، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل ژنتیکی و محیطی در بروز آلکسی‌تایمیا نقش دارند. بر این اساس، می‌توان به دو دسته پیامد عملی و نظری پژوهش حاضر اشاره کرد. در سطح عملی و مخصوصاً بالینی، با تهیه برنامه‌های آموزشی مهارت‌های هیجانی، می‌توان راهبردهای مناسب و کارآمد را به افراد آموزش داد. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر فرضیه‌هایی جدید را در رابطه ابعاد سرشت و منش با ناگویی هیجانی مطرح می‌کند. جامعه آماری پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناختی متغیرهای بررسی‌شده مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دیران بودند و در تعمیم یافته‌ها به دیگر جمعیت‌ها باید احتیاط شود.

منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). سبک‌های دل‌بستگی و نارسایی هیجانی. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲۴، ۶۳-۸.
- بیرامی، منصور؛ صالحی حیدرآباد، مجتبی، عندلیب کورایم، مرتضی و اصغری‌پور، اسمعیل (۱۳۹۰). پیش‌بینی تغییرات آلکسی‌تایمیا بر اساس مؤلفه‌های شخصیتی. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۳۳(۶)، ۳۹-۳۳.
- داودی، ایران و افشاری، افروز (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین آلکسی‌تایمیا با صفات شخصیتی در دانشجویان. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲(۱)، ۱۵۰-۱۳۷.

کاوایانی، حسین و پورناصح، مهرانگیز (۱۳۸۴). اعتباریابی و هنجارسنجی پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر TCI در جمعیت ایران. مجله دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۶۳(۲)،

۸۹-۹۸.

مظاهری، مینا؛ افشار، حمید و محمدی، نرگس (۱۳۹۰). آلکسی‌تایمیا و اختلالات روان‌تنی (گوارشی). تحقیقات علوم رفتاری، ۹(۵)، ۳۷۳-۳۸۱.

Bagby, R.M, Parker, J.D, Taylor G. J. (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia scale: I item selection and cross-validation of the factor structure. *J psychosom Res*, 38(1), 23-32.

Celikel FC, Kose S, Erkorkmaz U, Sayar K, Cumurcu BE, & Cloninger CR. (2010). Alexithymia and temperament and character model of personality in Patients with major depressive disorder. *Comprehensive Psychiatry*, 51, 64-70.

Cerutti, R., Calabrese, M., & Valastro, C. (2014). Alexithymia and personality disorders in the Adolescent Nonsuicidal Self Injury: preliminary results. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 114, 372 – 376.

Cloninger C. R. (1986). A unified biosocial theory of personality and its role in the development of anxiety states. *Psychiatric Developments*, 3, 167-226.

Cloninger, C. R. (2004). *Feeling good: The science of well-being*. New York: Oxford University Press.

Cloninger CR, Pryzbeck TR, Shvrakic DM, Wetzel RD. (1994). The temperament and character inventory (TCI): A guide to its development and use. St. Louis, MO: Center for Psychobiology of Personality, 1047-1057.

Cloninger CR, Shvrakic DM, Pryzbeck TR. (1993). A psychobiological model of temperament and character. *Arch Gen Psychiatry*, 50, 975-89.

Cloninger CR, Zohar AH. (2011). Personality and the perception of health and happiness. *J Affect Disord*, 128, 24-32.

Cloninger, C. R., Zohar, A. H., Hirschmann, S., & Dahan, D. (2012). The psychological costs and benefits of being highly persistent: personality profiles distinguish mood disorders from anxiety disorders. *Journal of Affective Disorders*, 136, 758-766.

Conrad R, Wegener I, Imbierowicz K, Liedtke R, & Geiser F. (2009). Alexithymia, temperament and character as predictors of psychopathology in patients with major depression. *Psychiatry research*, 165, 173-144.

- De Haan H, Joosten E, Wijdeveld T, Boswinkel P, der Palen JV, De Jong C. (2012). Alexithymia is not a stable personality trait in patients with substance use disorders. *Psychiatry Res*, 198, 123-9.
- Dalbudak, E., Evren, C., Aldemir, S., Coskun, K.S., Yıldırım, F.G., & Ugurlu, H. (2013). Alexithymia and personality in relation to social anxiety among university students. *Psychiatry Research*, 209, 167–172.
- Evern, C., Kose, S., Sayar, K., Ozcelik, B., Borckardt, J.P., Elhai, J.D., & Cloninger, C.R. (2008). Alexithymia and temperament and character model of personality in alcohol-dependent Turkish men. *Psychiatry and Clinical Neurosciences*, 62, 371-378.
- Hamidi S, Rostami R, Farhoodi F, Abdolmanafi A. (2010). A study of comparison of alexithymia among patients with substance use disorder and normal people. *Procedia Soc Behav Sci*, 5, 1367-70.
- Garcia, D. (2012). The affective temperaments: differences between adolescents in the Big Five model and Cloninger's psychobiological model of personality. *Journal of Happiness Studies*, 6, 999–1017. <http://dx.doi.org/10.1007/s10902-011-9303-5>.
- Garcia, D., Anckarsäter, H., & Lundström, S. (2013). Self-directedness and cooperativeness, psychosocial dysfunction and suffering in ESSENCE. *The Scientific World Journal*, 10. <http://dx.doi.org/10.1155/2013/416981>. Article ID 416981.
- Grabe, H.J., Spitzer, C., & Freyberger, H.J. (2001). Alexithymia and the temperament and character model of personality. *Psychother. Psychosom*, 70, 261-267.
- Lysaker, P.H., Olesek, K., Buck, K., Leonhardt, B.L., Vohs, J., Ringer, J., Dimaggio, G., Raffaele Popolo, R., & Outcalt, J. (2014). Metacognitive mastery moderates the relationship of alexithymia with cluster C personality disorder traits in adults with substance use disorders. *Addictive Behaviors*, 39, 558–561.
- Lee Y, Yu SH, Cho SJ, Cho IH, Koh SH, & Kim SJ. (2010). Direct and indirect effects of the temperament and character on alexithymia: A pathway analysis with mood and anxiety. *Comprehensive Psychiatry*, 51(2), 201-206.
- Loas, G., Baelde, B., & Verrier, A. (2014). Relationship between alexithymia and dependent personality disorder: A dimensional analysis. *Psychiatry Research*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.psychres.2014.11.062i>.
- Panfilis, CH.D., Ossola, P., Tonna, M., Catania, L., & Marchesi, C. (2015). Finding words for feelings: The relationship between personality

- disorders and alexithymia. *Personality and Individual Differences*, 74, 285–291.
- Picardi, A., Toni, A., & Caroppo, E. (2005). Stability of alexithymia and its relationships with the big five factor, temperament, character, and attachment style. *Psychother. Psychosom*, 74, 371-378.
- Schütz, E., Archer, T., & Garcia, D. (2013). Character profiles and adolescents' self-reported happiness. *Personality and Individual Differences*, 54, 841–844. <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2012.12.020>.
- Sifneos PE. (1973). the prevalence of alexithymia characteristics in psychosomatic patients. *Psychother Psychosom*, 22, 255-62.
- Takeuchi, M., Miyaoka, H., Tomoda, A., Suzuki, M., Lu, X., & Kitamura, T. (2011). Validity and reliability of the Japanese version of the temperament and character inventory: a study of university and college student. *Comprehensive Psychiatry*, 52, 109-117.
- Taylor G .J. (2000). Recent developments in Alexithymia theory and research. *Can psychiatry* , 45, 134-42.
- Taylor GJ, Bagby RM.(2012). The alexithymia personality dimension. In: &Widiger TA, editor. *The Oxford handbook of personality disorders*. New York: Oxford University Press, 648-73.
- Taylor GJ, Bagby RM. (2013). Alexithymia and the five-factor model of personality. In: Widiger TA. & Costa Jr PT, editors. *Personality disorders and the five factor model of personality*. Washington, D.C. American Psychological Association, 193-207.
- Taylor GJ, Bagby RM, Kushner SC, Benoit D. & Atkinson L. (2014). Alexithymia and adult attachment representations: Associations with the five-factor model of personality and perceived relationship adjustment. *Comprehensive Psychiatry*, 1-11.
- Watson D. (2000). *Mood and temperament*. New York, NY: The Guilford Press.
- Williams C, Wood R.L. (2010). Alexithymia and emotional empathy following traumatic brain injury. *Journal of Clinical Experience and Neuropsychology*, 32(3), 259-67.